



An Approach to the Challenges and Necessities of the Financial Rights of Working Women in the Light of Iranian Jurisprudence and Law

Boshra Mohammadi Fard¹ Sara Jafari² Amin Mir Zamani³

DOI:

10.30497/flj.2024.245462.1960



Abstract

The society's need for expert personnel and the increase of educated women compared to the previous centuries have led to the greater importance of legal and jurisprudential debates about women's financial independence and examining its conditions in the context of the family environment. In the verses of the Quran and hadiths, as well as jurisprudence and legal works, various works on this subject have been examined, but there are still some ambiguities due to the various aspects of this subject. Some believe that a woman's leaving home for any purpose must be with the consent of her husband, and some more mildly believe that in the case of a woman's employment and the condition of its continuation, a man cannot prohibit a woman from her job. However, according to the women's employment policies in Islamic Republic of Iran, it is approved by the Cultural Revolution Council of It is hoped that women will be able to move in the way of securing the fundamental and major goals of Sharia in the shade of benefiting from special goals in the family and society. So, the question is, what is the necessity of examining the financial rights of working women? And what challenges dose it faces? The research method in this research is descriptive-analytical and the findings indicate that the financial rights of working women in Iran have been neglected due to lack of research attention and this issue can be examined in relation to issues such as remuneration, entitlement to a dowry and alimony. On the other hand, issues related to the financial rights of working women, such as restrictions on women's employment, women's employment laws, pregnancy, childbirth, breastfeeding, working hours of women with special conditions, have been discussed in this article. In these cases, it is also concluded that the law has made some predictions in this field, but in practice we are facing a double conflict of managerial behavior in this regard and we see that this issue is facing many adversities for women in the field of work.

Keywords: financial rights, working women, dowry, alimony.

-
1. Assistant Professor in Department of Law, Islamic Azad University, Damavand branch, Tehran, Iran.
radmehr351@yahoo.com
 2. (Corresponding author) Master's degree in criminal law and criminology from Tehran University, Farabi campus, Qom, Iran.
s97.jafari@yahoo.com
 3. Master's degree in criminal law and criminology from Tehran University, Farabi campus, Qom, Iran.
amin.mirzamani@yahoo.com

رویکردی بر مسائل و ضرورت‌های حقوق مالی زنان شاغل در پرتو آموزه‌های فقهی و حقوق ایران

بشری محمدی فرد^۱
سارا جعفری*^۲
امین میرزمانی^۳

Doi: 10.30497/flj.2024.245462.1960

چکیده

نیاز جوامع به نیروی متخصص و افزایش بانوان تحصیل کرده در مقایسه با سده‌های قبل، به بیشتر شدن اهمیت بحث‌های حقوقی - فقهی درباره استقلال مالی بانوان و بررسی شرایط آن در بستر محیط خانواده منجر شده است. در آیات قرآن و احادیث و همچنین منابع فقهی و حقوقی، آثار مختلف این موضوع بررسی شده است؛ ولی با توجه به ابعاد مختلف آن هنوز ابهاماتی وجود دارد. برخی معتقدند خروج زن از منزل به هر منظوری که باشد، باید با موافقت همسرش باشد و برخی با ملایمت بیشتری معتقدند در صورت اشتغال زن و شرط ادامه آن، مرد نمی‌تواند زن را از شغل خود منع کند؛ باین حال با توجه به سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای انقلاب فرهنگی، امید است تا بانوان با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در خانواده و اجتماع بتوانند در راه تأمین هدف‌های بنیادین و کلان شریعت حرکت کنند. بنابراین سؤال این است که ضرورت بررسی حقوق مالی زنان شاغل چیست؟ و با چه مسائلی روبه‌رو است؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و یافته‌ها حکایت از این موضوع دارد که حقوق مالی زنان شاغل در ایران به دلیل کم‌توجهی پژوهشی نادیده گرفته شده است و این موضوع را در باب مسائلی مانند اجرت‌المثل و مهرالمثل و نفقه می‌توان بررسی کرد. در این مقاله به موضوعات مرتبط با حقوق مالی زنان شاغل نیز، از جمله محدودیت‌های اشتغال زنان، قوانین اشتغال زنان، بارداری، زایمان، شیردهی، ساعت کار زنان دارای شرایط خاص، پرداخته شده است. نتیجه آنکه قانون پیش‌بینی‌هایی در این زمینه کرده است؛ اما در عمل ضمن مشاهده تضاد دوگانه رفتاری مدیریتی، متوجه می‌شویم که زنان در حوزه شغلی با ناملازمات بسیاری روبه‌رو هستند.

کلیدواژه‌ها: حقوق مالی، زنان شاغل، مهریه، نفقه.

-
۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، تهران، ایران. radmehr351@yahoo.com
 ۲. (نویسنده مسئول) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران پردیس فارابی، تهران، ایران. s97.jafari@yahoo.com
 ۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، پردیس فارابی، تهران، ایران. amin.mirzamani@yahoo.com

مقدمه

با توجه به آموزه‌های قرآنی، زن و مرد از یک نفس آفریده شده‌اند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (اعراف/۱۸۹) و بالاترین جایگاه مخصوص کسانی است که از نظر تقوا دارای درجه بالاتری باشند: «إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). پیروزی انقلاب اسلامی نویدبخش حفظ کرامت انسانی و به رسمیت شناختن حقوق همه ملت‌ها با رعایت حاکمیت قانون^۱ بوده است و خانواده پایگاهی است که زن و مرد در آن حقوق انسانی خود را اعمال می‌کنند. اگر به فضیلت و جایگاه و نقش زن در خانواده تعرض شود، کمترین اثر آن تخریب نظام خانواده خواهد بود. اهمیت دادن به حقوق فردی و اجتماعی زنان و فراهم کردن شرایط رشد و تکامل آنان، جامعه را برای بهره‌گیری از استعدادها و مهارت‌های زنان و مسیر توسعه متوازن و پایدار هموار می‌کند.

زنان معمولاً در سازمان‌ها با محدودیت‌ها و موانع زیادی روبه‌رو هستند. تبعیض علیه زنان مانع ارتقاء شغلی آنان است؛ از جمله این تبعیض‌ها، می‌توان فاصله حقوق و دستمزد آنان با مردان، تفکیک شغلی و نابرابری میان زنان و مردان را نام برد. زنانی که می‌خواهند به پست‌های مدیریتی دست یابند، با موانع بزرگی از داخل سازمان یا خارج از آن روبه‌رو می‌شوند که باعث دلسردی آنان می‌شود. حتی ممکن است امید زنان را برای رسیدن به پست‌های معاونت و رده‌های میانی کم‌رنگ کند (سنجری‌مقدم، ۱۴۰۲، ش، ص ۹۰). با این شرایط توجه به رفع موانع قانونی و حقوقی و تحقق مطالبات واقعی حقوق زنان و اقدام متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه و اولویت‌های موجود برای تقویت نقش آن در عرصه‌های گوناگون ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین سؤال این است که ضرورت بررسی حقوق مالی زنان شاغل چیست؟ و با چه مشکلاتی مواجه است؟

واقعیت این است که تحولات در حوزه حقوق زنان شاغل به دلیل حساسیت‌ها و مسائل پیش‌رو با مشکلات ویژه‌ای مواجه است و این امر مهم از یک سو نیازمند شناخت نیازهای واقعی

حقوق زنان شاغل در جهت شناخت کرامت و حفظ جایگاه زنان مسلمان در سطح کشور و جامعه جهانی است و از سوی دیگر محتاج نگرشی جدید در ضرورت پرداختن به مسئله بانوان و در پی آن اصلاحات مورد نیاز در این باره است؛ به طوری که مقام معظم رهبری در بیانات خود، دائماً می‌فرماید: «روش اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به زن محترمانه، تکریم‌آمیز، مصلحت‌اندیشانه، عاقلانه و به نفع بشریت است و آنچه که غربی‌ها در مورد زن اعمال می‌کنند ناقض حقوق انسانی زن است»^۱.

دیدگاه اسلام درباره زنان شاغل روشن است. برای حمایت از زنان باید از ورود به قسمت‌های انحرافی موضوعی خودداری شود. با بررسی جریان‌ها و دیدگاه‌های دینی و فکری می‌توان دریافت که دین مبین اسلام مبتنی بر عقل و عدالت و نیازهای طبیعی مردم است؛ بنابراین برداشت‌های ضد انسانی و غیرمنطقی و برداشت‌های تبعیض‌آمیز از برخی آیات و روایات با دیدگاه اسلام ناسازگار است.

به سبب مشکلاتی که در منابع اسلامی درباره زنان شاغل موجود است، باید مطالبی که درباره وجود و ماهیت زنان، مکان و محدوده فعالیت آن‌ها و فلسفه موازین دینی آن، در این منابع آمده است، بررسی شود. نگرش اجتماعی به زنان شاغل، حکایت از این مطلب دارد که تعصبات، نگرش‌ها، شناخت‌ها، موانع و سهل‌انگاری‌های متعدد، عوامل تأثیرگذار و بازدارنده‌ای هستند که در بسیاری از موارد راه را بر تحقیقات و سوابق موجود درباره زنان بسته‌اند؛ از جمله مهم‌ترین این علل را می‌توان در مسائل ذیل خلاصه کرد:

- عدم بررسی دقیق احادیث با توجه به عدم نیاز جوامع در قرن‌های اخیر و عدم تدقیق در مسائل مالی بانوان شاغل در زندگی مشترک.
- فقدان تحقیق درباره روش درست پیامبران و پیشوایان شریعت و برخورد آن‌ها با همسرانشان و دیگر زنان، و نیز نقش و جایگاه زنان شاغل در ارتباط‌های

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خصوص حجاب و عفاف و علت نامگذاری روز حجاب و عفاف، ۱۳۹۳/۴/۲۱.

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و تاریخی در روزگار آن‌ها.

- ضعف در تحقیق دقیق و بی‌طرفانه، به دلیل غلبه فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های ملی و محلی بر مطالعات دینی و سایه‌انداختن نگرش‌های سنتی بر حقوق زنان.

با توجه به پویایی قواعد فقهی و حقوقی به نظر می‌رسد که در جوامع امروزی با افزایش تعداد بانوان متخصص و اشتغال آن‌ها در حوزه‌های مختلف که علاوه بر ایفای نقش مادری و همسری و ایجاد انسجام در کانون خانواده، باعث رشد شاخص‌های اقتصادی کشور نیز شده‌اند، لازم است در رفع ابهامات حقوقی و فقهی موجود در این زمینه کوشید.

قانونگذار با توجه به اصل حفظ نهاد خانواده، اصل برقراری عدالت اجتماعی، اصل پیشگیری از مفاسد اجتماعی و اصل رعایت حقوق شهروندی مکلف است تا حقوق زنان را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد (حیدری، ۱۴۰۲، ش، ص ۱). با توجه به اینکه قوانین و نحوه اجرای آن می‌تواند آثار مطلوب یا نامطلوب روانی و اجتماعی و اقتصادی بر افراد جامعه داشته باشد و نیز خلأها و کاستی‌های موجود در قوانین موجب سوءاستفاده تبلیغی برای دشمنان می‌شود، ضروری است به‌طور دقیق خلأهای قانونی موجود در قوانین جامع حقوقی بررسی، و تمهیدات اجرایی مناسب پیش‌بینی شود و نواقص موجود در قوانین، با استناد به منابع اسلامی و قوانین موجود و نیز حقوق موضوعه دیگر کشورهای اسلامی بررسی و شناسایی شود.

به‌همین منظور مجموعه حاکمیت نظام باید با فراهم آوردن امکانات، تدابیر و برنامه‌ریزی‌های مناسب و به‌ویژه ابزارهای قانونی موردنیاز برای حرکت زنان در مسیر مطلوب اسلام، که موردتأکید مقام معظم رهبری است، و درک عمیق شرایط حساس اجتماعی و سیاسی جامعه و جهان، چهره‌ای مقبول از اسلام و احکام اسلامی به جهانیان ارائه کند. بدیهی است که بهره‌برداری از تمامی ظرفیت‌های فقهی و دادن پاسخ‌های مناسب به نیازهای روز پیرامون همین موضوع می‌تواند ما را به هدف خود نزدیک‌تر کند.

پیشینه پژوهش

تاکنون در زمینه مسائل و ضرورت‌های حقوق مالی زنان شاغل در پرتو آموزه‌های فقهی و

حقوق ایران، آثار زیادی به صورت کتاب و مقاله به چاپ نرسیده است؛ اما مطالبی در خصوص حقوق مالی زن به چشم می‌خورد که در آن، آثار این حقوق از جهات مختلفی بررسی شده است. یکی از کتاب‌هایی که به صورت خاص به این موضوع می‌پردازد، کتاب حقوق مالی زنان، اثر ملیکا آشوری است که در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است. موضوع کتاب حاضر، شرح برخی قوانین حقوقی و فقهی درباره زنان است. این کتاب، تلاشی است جهت شرح قوانین نفقه و مهریه. نگارنده، نخست، به تعریف نفقه پرداخته، و معنای آن را در اصطلاح قانون مدنی ایران شرح داده است؛ سپس به بیان ماهیت نفقه در اسلام و ماهیت حقوقی آن پرداخته، و شرایط وجوب نفقه، میزان و ویژگی‌های آن، موارد سقوط و ضمانت اجرای نفقه را بیان کرده است. وی در ادامه ضمن تعریف مهریه، تعبیر مهریه در قرآن را به همراه جایگاه مهریه در اسلام شرح داده است. سپس اقسام مهریه و میزان آن را بیان کرده، و در پایان نیز به مبحث تعدیل مهریه پرداخته است.

در مقاله داود عباسی و شیرین رضوانی نیز با عنوان «حقوق مالی زن در نظام حقوقی ایران و همخوانی آن با اسناد بین‌المللی» (۱۴۰۰ ش)، آمده است که با گذشت زمان، حقوق زنان چه به لحاظ نظری و چه از نظر عملی دچار انحطاط عظیمی شده، و حقوق زنان در دوره‌های مختلف کم‌وبیش نادیده گرفته شده، و با توجه به پیشرفت جوامع رفته‌رفته حقوق مالی زنان به تبع آن مترقی‌تر و به عدالت نزدیک‌تر شده است. در بیشتر متون حقوق بشری، و با تبدیل این قواعد حقوق بشر به قواعد اجباری و جهانی، مسئولیت بزرگی بر دوش دولت‌ها گذاشته شده است تا به نابرابری حقوق زن و مرد پایان دهد؛ اما برخی از دولت‌ها عمدتاً به دلایل ایدئولوژیک، فرهنگ و آداب و رسوم و گاه سیاست و اقتصاد جهت انطباق با قواعد حقوق بین‌الملل در این زمینه، تمایلی نشان نمی‌دهند. وجه تمایز این نوشتار بررسی حقوق مالی زنان شاغل است که بر مبنای آموزه‌های فقهی و حقوقی بررسی می‌شود، و سعی بر طرح مسائل و ارائه راهکار برای آن است.

اصطلاحات تحقیق

برخی از اصطلاحات مقاله حاضر در ذیل بررسی می‌شوند:

الف - حق: درباره حق عبارات مختلفی بیان شده است. جمع واژه «حق»، «حقوق» است. «حق» در ادب پارسی به معنی درست، ثابت، سزا و سزاوار و عدل آمده است. حق را به معنای ثبوت، ضد باطل، وجوب، موجود ثابت، مطابقت و موافقت و نیز قرار گرفتن چیزی در موضع خودش (که آن موضع برای وی در نظر گرفته شده) گفته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۸۰۲۸). حق عبارت است از هر موضوع پایدار، اعم از واقعی و نسبی. حق بر ملک و استفاده معین شخصی نیز انتساب می‌شود. این نیز به سبب استقرار و واقعیت‌یابی آن است که به حکم هنجار یا پیمان معتبر، استوار و معین شده است. «باطل» نیز در مقابل هریک از معانی گوناگون «حق» قرار می‌گیرد و معنی مناسب با خودش را دارد (مشایخی، ۱۳۷۹، ص ۲۶).

ب - حقوق: حقوق به معانی مختلفی اطلاق می‌شود که ارتباطی با یکدیگر ندارند و به دلیل همین تفاوت‌ها، این کلمه را مشترک لفظی می‌دانیم (لنگرودی، ترمینولوژی حقوق). حقوق بار معنایی متفاوتی دارد و معمولاً در زمینه‌های مختلف استفاده می‌شود. البته حقوق نیز مانند رشته‌ها و مفاهیم انتزاعی علوم اجتماعی، تعریفی مطلق، واحد، کامل و محدود ندارد؛ از یک سو انبوه مکاتب فکری، نظری، فلسفی و اجتماعی، و از سوی دیگر پیچیدگی و گسترش روابط حقوقی، این دشواری را برای ما به ارمغان آورده است و حقوق‌دانان همچنان به دنبال معادل‌سازی حقوق برابر هستند.

ازلحاظ حقوقی برای هر حقی دو مرحله می‌توان تصور کرد:

الف - مرحله اعتبار حق برای افراد و اهلیت انسان‌ها برای اینکه صاحب حق شوند که اصطلاحاً به آن «اهلیت تمتع» می‌گویند. در این مرحله هر انسانی در چهارچوب ویژگی‌های نظامی حقوقی می‌تواند صاحب حق شود و هیچ‌کس حتی خود انسان نمی‌تواند چنین اهلیتی را از خود سلب کند. با توجه به ماده ۹۵۶ قانون مدنی، اهلیت تمتع، ملاک شخصیت حقوقی است. شخصیت حقوقی از زمان تولد طفل شروع می‌شود، در تمامی عمر ادامه دارد و با فوت

1. The right

2. Rights

او خاتمه پیدا می‌کند؛ بنابراین، شخصیت حقوقی لازمه وجود حیات انسانی است، بدین جهت تمامی افراد، حتی کودکان و مجانین آن را دارا هستند.

ب - مرحله اجرای حق و استیفای آن که به آن «اهلیت استیفا» می‌گویند. این چنین نیست که هر کس که دارای حق تمتع است دارای حق استیفا نیز است و می‌تواند آن حق را اعمال و اجرا کند؛ زیرا برای داراشدن حق کافی است که انسان موجود و زنده باشد؛ ولی برای اجرا و اعمال آن این امر کافی نیست. در این مرحله برای اینکه شخص بتواند حقوق خود را استیفا کند، شرایطی لازم است و این شرایط بیشتر برای این است که شخص بتواند حق را جهت منافع خود به کار گیرد؛ مانند اینکه باید عاقل، بالغ و رشید باشد (امامی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱-۱۵۳).

حق و تکلیف، توأمان هستند و هر جا حقی باشد، دیگران موظف‌اند که به آن تجاوز نکنند و برعکس نیز هر جا تکلیف ثابت شود، در برابر آن حقی برای فرد یا جامعه منظور شده است. تکلیف بر دو قسم است: مثبت و منفی. تکلیف مثبت، عملی است که باید آن را به جا آورد؛ مانند دادن نفقه اقارب، و تسلیم مبیع در بیع. تکلیف منفی، عملی است که مکلف باید آن را ترک کند؛ مانند تعدی و تفریط نکردن متصرف در مالی که نزد او امانت است. حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و به یک معنی دو روی یک سکه‌اند؛ یعنی در مقابل هر حقی تکلیفی وجود دارد. حق و تکلیف مانند دو کفه ترازو هستند که توازن آن در عالم عدالت باید رعایت شود.

ج - استقلال مالی^۱: تعریف استقلال مالی عبارت است از: حمایت از خود، اتکا به خود، تکفل مخارج خود. زن می‌تواند در دارایی خویش (همچون مقرری دریافتی‌اش در حالت شاغل بودن، اموالی که به وی ارث رسیده، یا ماحصل زحمت خودش بوده، یا حتی اموالی که شوهرش به وی داده، و به‌طور کلی هر چه غیر این‌ها است؛ مانند جهیزیه‌اش) آزادانه تصرف کند و هرگونه عمل مادی یا حقوقی همچون فروش یا اجاره یا امثال این‌ها، درباره آن‌ها انجام دهد (قاضی، ۱۴۰۰ ش، ص ۱۲۱).

برای اثبات استقلال مالی زوجه در زندگی مشترک، به این آیه استناد می‌شود: «مردان در آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و زنان را در آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است»^۱ (نساء/۳۲). برخی درباره این آیه گفته‌اند که منظور از سهم و بهره در این آیه، بهره در آخرت است و بدین معنا است که زن و مرد در روز قیامت در برابر آنچه انجام می‌دهند، پاداش می‌گیرند؛ ولی علامه طباطبائی در تفسیر آیه آورده است: اگر مرد یا زن از راه عمل چیزی را به دست می‌آورند، مختص به خود آن‌ها است (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۵۳۴)؛ بنابراین از این آیه می‌توان نتیجه گرفت که زن و مرد می‌توانند از طریق تجارت به منفعت برسند و این منفعت متعلق به آن‌ها است و مردان هیچ تسلطی بر آن ندارند. همان‌گونه که منافع مادی مردان متعلق به خود آنان است و زنان نیز بر آن نظارتی ندارند. این یعنی استقلال مالی زن و شوهر (شجاعی، ۱۳۹۰، ص ۵۸).

د- زنان شاغل^۲: امروزه شاغل بودن زنان، یکی از مسائلی است که در اجتماع مطرح است و زنان به علل گوناگون به کار و اشتغال روی آورده، و حتی مجبور شده‌اند علاوه بر مسئولیت‌های خود در خانه و تربیت فرزندان، مسئولیت‌های اجتماعی را نیز پذیرا شوند. در اینجا با قشری به نام «زنان شاغل» روبه‌رو می‌شویم. افرادی که در دو جبهه مهم، یعنی جامعه و خانواده، مشغول خدمت و انجام وظیفه هستند.

مشکلات عدیده‌ای بر سر راه اشتغال زنان وجود دارد، به‌ویژه در مناطق روستایی، اما در طی سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی نیز از جانب نهادهای دولتی و NGOهای غیردولتی به‌منظور بهبود وضعیت اشتغال زنان صورت گرفته است که از جمله می‌توان به طرح توانمندسازی بانوان روستایی و توانمندسازی مهارتی زنان سرپرست خانوار در سکونتگاه‌های غیررسمی اشاره کرد. همچنین با رشد تحصیلات زنان بخش عمده‌ای از دانش‌آموختگان دانشگاهی را که فاقد هرگونه فرصت شغلی‌اند، جامعه زنان و دختران جوان تشکیل می‌دهد.

۱. «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُواْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ».

ه- مهریه^۱: قانونگذار تعریفی از مهر بیان نکرده، و فقط در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی اشاره کوتاهی به آن کرده است. مهریه از حقوق مسلم مالی زن به حساب می‌آید و زن در هر هنگام پس از عقد و به صلاحدید خویش می‌تواند در مهریه خویش هرگونه تصرفی انجام دهد یا آن را به هر کسی که می‌خواهد، ببخشد و زوج حق وساطت در این‌گونه تصرفات زن را نخواهد داشت. اگرچه بر مبنای ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی، «هر گاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد، زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد، حق دارد مازاد نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند».

و- ارث^۲: فقهایمانند «شهیدی» ارث را الهام‌گرفته از فطرت می‌دانند و معتقدند همان‌گونه که در طول حیات میت، بستگان و نزدیکان او یاور و مددکار او هستند، طبیعتاً حق بیشتری در مقایسه با دیگران، در ارث‌بردن اموال میت دارند. ارث یکی از قواعد احوال شخصیه است و مانند دیگر نظام‌های حقوقی، مبتنی بر خویشاوندی (نزدیک‌بودن به متوفی) است. در نظام حقوقی ایران، ارث بر اساس «اقرابای نزدیک» تقسیم می‌شود؛ یعنی خویشاوندان نزدیک از ارث‌بردن خویشاوندان دورتر جلوگیری می‌کنند. قواعد ارث قواعد اجباری است؛ از این‌رو ماده ۹۵۹ قانون مدنی که به عدم سلب و غیرقابل تغییر بودن مقدار سهم ارث مطابق قرارداد قبلی، همچنین ماده ۸۳۷ قانون مدنی در خصوص نافذنبودن وصیت در محروم‌کردن ورثه از ارث، و طبق ماده ۸۳۴ قانون مدنی مقدار سهامی که ارث‌گذار می‌تواند در آن به حالت وصیت تصاحب کند، تنها یک سوم ترکه خواهد بود و وصیت نسبت به فزونی، تنها با فرمان وارث نافذ است (شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

ز - نفقه^۳: در تعبیر حقوقی انفاق، برآورده‌کردن هزینه‌های احتیاج ضروری اشخاص واجب‌النفقه به وسیله شخص متعهد به انفاق است و از جمله این اشخاص بانوان هستند که بر سایر اشخاص واجب‌النفقه ارجح خواهند بود (امامی، ۱۳۸۹، ص ۶۱). نفقه برای معیشت و

-
1. Dowry
 2. Inheritance
 3. alimony

معاش زندگی زن است و باید به صورت مقتضی و به نحوی که برای وی عسر و حرج ایجاد نکند، در اختیار وی قرار گیرد. حسب ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی نفقه زن باید پیش از دوران احتیاج آماده باشد تا زن بتواند به هنگام از آن بهره‌برداری کند.

۱. نگاه تطبیقی اسلام و غرب به موضوع اشتغال زنان

با توجه به نگاه سکولاریستی غرب و در مقابل نگاه توحیدی اسلام به موضوعات در خصوص اشتغال زن در اسلام و غرب نیز به تبع این اختلاف مبنا، تفاوت‌هایی وجود دارد. ابتدا باید به این سؤال پاسخ دهیم که آیا اسلام اشتغال و فعالیت اقتصادی را فقط برای مردان مجاز می‌داند و عموماً زنان را از این صحنه خارج می‌کند؟ با توجه به بحث‌های مختلف فقهی (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۷۹، مسئله ۹۰۷۷ و ۹۰۷۸) این موضوع برخلاف دید مغرضان یا ناآگاهان صحیح به نظر نمی‌رسد. در این باره می‌توان به دو نمونه زیر اشاره کرد:

۱-۱. حق مالکیت زنان بر اموالشان

در قرآن کریم به صورت مختلف بر مالکیت خصوصی تأکید شده است (نک: بقره/۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۷۹). به این ترتیب به رسمیت شناختن حقوق مالکیت زنان قابل استناد است؛ حقوقی که برخی از قوانین غربی تا چند قرن گذشته آن را انکار می‌کردند (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۲۲۰-۲۲۶). این آیات مجوز اشتغال برای آن‌ها را هم همانند مردان تأیید می‌کند؛ برای اینکه جایز بودن اکتساب - یعنی کسب مال - فرض پنداشته شده، و به عنوان یک اصل بدیهی پذیرفته شده است و آن‌گاه درباره تملک درآمد حاصل از آن، اظهار نظر شده است.

۱-۲. تشویق زنان و مردان به فعالیت‌های اقتصادی

در اسلام نه تنها فعالیت‌های اقتصادی جایز شمرده شده است و زن و مرد می‌توانند کسب درآمد و تحصیل کنند، بلکه همه به فعالیت در عرصه اقتصادی دعوت و تشویق می‌شوند. آیاتی از قرآن کریم که ابتغاء فضل خدا و جست‌وجو و طلب آن را بیان کرده، و مردم را به حضور فعال در صحنه اقتصادی دعوت و تشویق^۱ و به تحصیل آن فرا خوانده^۲، یا آیاتی که مردم را دعوت

۱. مانند: اسراء/۱۲، ۶۶؛ جمعه/۱۰؛ فاطر/۱۲.

۲. «وَأَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه/۱۰).

به آبادانی زمین کرده است^۱ (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰، ص ۳۰۹-۳۱۱)، نمونه‌هایی از این تشویق و ترغیب هستند. در هیچ‌یک از این موارد، مخاطب منحصرأ مرد نیست، بلکه مسلمانان یا مجموعه‌ای از افراد مورد توجه قرار می‌گیرند. بی‌شک «کار» یکی از مهم‌ترین ابزار کسب درآمد به شمار می‌رود و اسلام نیز به آن توجه ویژه‌ای داشته است؛ بنابراین اگر هم زن و هم مرد به فعالیت اقتصادی دعوت شوند و «کار» یکی از مصادیق بارز فعالیت اقتصادی باشد، می‌توان گفت که اشتغال برای زن و مرد مجاز است.

۳-۱. محدودیت اشتغال

اسلام، زن و مرد را به فعالیت و کار اقتصادی دعوت می‌کند و آنان را صاحب درآمد می‌داند؛ اما در این امر و برخی امور دیگر محدودیت‌هایی را قائل است. برخی از این ممنوعیت‌ها به انجام فعالیت‌های اقتصادی از جمله تولید و توزیع برمی‌گردد و برخی دیگر نیز درباره ارتباطات مسلمانان با همدیگر و دیگران است.

در بخش نخست این محدودیت‌ها، هیچ‌گونه تفاوتی میان زوجین نیست؛ چنانچه برای هر دو ربا حرام است یا دادوستد مجاز است؛ اما در بخش دوم، احکام جزئی درباره هر یک از زوجین تفاوت دارد.

در این میان برخی از محدودیت‌های شغلی مختص زوجین است و برخی حقوق همسر به رسمیت شناخته شده است. زن و شوهر در برابر یکدیگر حقوق و تکالیفی دارند و این حقوق و تکالیف در تعادل کامل با یکدیگر هستند.

به‌طور کلی بنابر فتوای مشهور فقها، جواز خروج زنان متأهل از خانه مشروط به اجازه همسر است. برخی از فقهای معاصر به جواز اشتغال زنان به شرط مزاحمت‌نداشتن با حقوق همسران فتوا داده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۵۲۰).

امام خمینی اشتغال زن در بیرون از خانه را به شرط اجازه همسر و منافی نبودن آن با شئون و عفت زن جایز دانسته است (۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۴۸). امام خمینی بر آن است که زنان با حفظ

۱. «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود/۶۱).

عفت می‌توانند حتی در ارتش نیز فعالیت کنند و اگر کاری که زن به آن اشتغال دارد بر او واجب باشد، بدون اجازه شوهر نیز می‌تواند از خانه خارج شود و به کار خود ادامه دهد. ایشان در پاسخ به این پرسش که شرکت زن‌ها در مسائل اجتماعی، مانند عضویت در سپاه پاسداران، چه حکمی دارد و اگر به حد و جوب برسد با نهی شوهر چگونه است، یادآور شده است موارد مختلف است و به حسب حال اشخاص هم ممکن است فرق کند و اگر در موردی به موجب ضرورت، واجب شد، نهی شوهر مانع نیست؛ بر همین اساس ایشان خروج زن پزشک را از خانه برای مداوای بیمارانی که معالجه آنان بر زن واجب است، بدون اجازه همسر جایز دانسته است (۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۴۷-۳۴۸).

از دیدگاه غرب، مردسالاری مکانیزم مهمی است که دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی را محدود می‌کند. از آنجاکه به‌طور سنتی در همه فرهنگ‌ها، مردان جنس برتر تلقی می‌شوند و این نوع نگاه به زن و مرد، بر همه فعالیت‌های زنان تأثیر می‌گذارد و با قراردادن آن‌ها در شرایط اجتماعی ویژه، کار اصلی زنان خانه‌داری و بچه‌داری است که هیچ نوع بهای مالی ندارد (سفیری، ۱۳۷۷، ص ۵۹)؛ این در حالی است که کار زنان در خارج از خانه موضوعی تبعیض‌آمیز است. تبعیض میان کارگران زن و مرد از نظر نابرابری دستمزد، عدم امکان ارتقای شغلی برابر، ناامنی شغلی و غیره، کارکردن زنان را دشوار می‌کند. مطالعه درباره توزیع درآمد در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد که مردسالاری مهم‌ترین عامل فرهنگی در شکاف دستمزد جنسیتی است. نابرابری دستمزد در جوامع مردسالار بیشتر است و این عامل بر مشارکت کم زنان در بازار کار تأثیر می‌گذارد (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷، ص ۶۷-۹۸).

مشخص است که دیدگاه اسلام با دیدگاه غرب درباره مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی متفاوت است. از نظر اسلام، مادری و تربیت فرزند وظیفه اصلی زنان و نان‌آوری وظیفه مردان است. حتی درباره کار زنان در منزل گفته شده است که زن وظیفه ندارد در خانه خدمت کند و غذا تهیه کند و نظافت انجام دهد؛ مگر به میل خویش. از دیدگاه غرب «کارهای

خانگی» هیچ‌گونه حقی را برای کسب درآمد مستقل برای زنان به وجود نیاورده است؛ از این رو زنان برای کسب درآمد مستقل باید در بیرون خانه هم کار کنند یا برای درآمد به مردان وابسته شوند. این وضعیت زنان را در شرایط ناامنی قرار می‌دهد؛ لیکن اجرت‌المثل مبین ارزشی است که اسلام برای زن و بهای کار او در نظر گرفته است.

همچنین زنان می‌توانند برای شیردادن به فرزندان خود از شوهر خود دستمزد مطالبه کنند (نک: بقره/۲۳۳). در همین زمینه، در تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی این‌گونه بیان شده است: «چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام‌گرفته را محاسبه، و به پرداخت آن حکم می‌کند». در این زمینه، خداوند متعال به زنان این اختیار را داده است که در صورت تمایل، کارهای خانه را انجام دهند؛ بنابراین، کار زنان در خانه عبادت مستحبی شمرده می‌شود و به انجام آن توصیه می‌شود (بقره، ۲۳۳).

این در حالی است که از منظر غرب، اشتغال زنان در خارج از خانه در یک مقطع، تربیت فرزند را آسیب‌پذیر می‌کند و سلامت زنان و خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، درباره شعار اشتغال زنان و برابری آنان با مردان از جهت نوع شغل، که یک شعار فمینیستی است، باید گفت اشتغال زنان با هدف برابری اقتصادی و اجتماعی صورت گرفت، اما در عمل بی‌عدالتی و نابرابری بیشتری برای زنان ایجاد کرد.

با توجه به کمبود وقت زنان، این مشکل بر آنها فشار می‌آورد و آنها را بی‌حوصله و درمانده و افسرده می‌کند و از تمایل آنها به بچه‌دار شدن می‌کاهد و این موضوع سبب فروپاشی خانواده می‌شود.

۲. روابط مالی زوجین^۱

ارتباط مالی زن و شوهر، ترتیبات مختلفی دارد و هر نظام حقوقی رابطه خاصی را انتخاب می‌کند. بررسی جامع این ترتیبات بحث گسترده و جالبی است؛ اما پیش از تشریح آراء فقها

مبتنی بر قوانین ایران، مناسب است به اختصار به انواع ترتیبات مالی اشاره شود. در ادامه سعی شده است به الگوهای حاکمیت مالی میان زوجین پرداخته شود؛ از جمله اصلی‌ترین این نوع ترتیبات عبارت‌اند از:

۲-۱. ولایت مرد بر دارایی زن

این سیستم قدیم‌ترین نظام مالی است. در این نظام مالی، شوهر بر مایملک زن خویش ولایت کامل دارد و زن محجور شناخته می‌شود. در این نظام مالی، زن حق دارد مالک شود؛ ولی شایستگی اداره دارایی خویش را ندارد. زن در این نظام مالی مثل صغار و سفها است (جهانی، ۱۳۹۱، ص ۳۲).

۲-۲. اشتراک کامل دارایی‌ها

این رژیم معروف به رژیم «اشتراک اموال» است. در این رژیم هیچ‌یک از زوجین دارایی خود را ندارند. اموالی که زن یا شوهر پیش از عقد داشته، یا هر یک از آن‌ها پس از عقد، اعم از منقول و غیرمنقول به دست آورده‌اند، در سبد مشترکی که مشترکاً در اختیار زوجین است، قرار می‌گیرد (جهانی، ۱۳۹۱، ص ۳۳).

۲-۳. افتراق کامل دارایی‌ها

این سیستم مالی برخلاف سیستم مالی اشتراک دارایی است. در این سیستم مالی، مایملک هریک از زوجین، به‌طور کامل از یکدیگر مجزا است و مالکیت هریک بر مایملک خویش مستقل از دیگری است. در این سیستم مالی، زن همانند شوهر، بر ثروت خویش تسلط دارد و وی افزون بر اینکه می‌تواند بر اموالش تملک داشته باشد، می‌تواند هرگونه تصرفی که خواست، اعم از انتفاع از ثروت خویش یا انتقال آن، اعمال کند.

۲-۴. اشتراک نسبی دارایی‌ها

در این ترتیب مالی، زن و شوهر در برخی از دارایی‌های خود شریک هستند؛ یعنی مالکیت مشترک دارند و درباره دیگر دارایی‌ها مالکیت مستقل خود را حفظ می‌کنند. در این نظام مالی، اموال و دارایی‌های زوجین در واقع به سه دسته تقسیم می‌شود: دسته نخست، اموال انحصاری

زوج؛ دسته دوم، مالکیت انحصاری زنان؛ دسته سوم: مالکیت مشترک دو طرف (جهانی، ۱۳۹۱، ص ۳۴).

۲-۵. استقلال مالی زوجین

از منظر فقه و نظام حقوقی اسلام، زن و شوهر از نظر مالی مستقل از یکدیگر هستند. اکنون به بررسی مبنای این گفته می‌پردازیم.

الف - اصل عدم ولایت: ولایت از جمله حکم‌های وضعی است و اصل ارجح و طریق کلی درباره ولایت آن است که هیچ‌کس بر دیگری ولایتی ندارد و در صورتی که قرار باشد کسی بر جان یا دارایی دیگری ولایت داشته باشد باید این‌گونه ولایت از طرف پروردگار امر شود. از این موضوع دو نکته استخراج می‌شود: موضوع نخست اینکه برای تأیید ولایت در هر مورد، باید در پی انگیزه مسلم بود تا بتوان با اتکا به آن، از اصل عدم ولایت دست برداشت. موضوع دوم اینکه عرصه و حیطة اختیارات ولی هم مطیع علت مستقرکننده آن خواهد بود؛ یعنی در صورتی که بخواهیم بدانیم که ولی تا چه میزان اختیار و ولایت دارد باید همان دلیلی را که ولایت ولی را تأیید می‌کند، دوباره مطالعه کنیم و در موردهای شک به مقتضای اصل عدم ولایت، اکتفا به قدر متیقن کنیم؛ از این رو برای ولایت داشتن شوهر بر ثروت زن، باید علت مسلم وجود داشته باشد تا این ولایت را تأیید کند و باید عنوان کرد که چنین علتی وجود نخواهد داشت؛ بنابراین با اتکا به اصل عدم ولایت، خواهیم گفت که اختیار دارایی و دارایی در ید شخص خواهد بود (گرجی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۲).

ب - آیه اکتساب: برای اثبات استقلال مالی زن در زندگی مشترک با شوهر، به آیه ۳۲ سوره نساء نیز می‌توان استناد کرد. برخی گفته‌اند که مقصود از نصیب (بهره) در این آیه، بهره اخروی است و مراد آن است که زن و مرد هرکدام در قبال کارهایی که انجام می‌دهند، در روز جزاء پاداش دریافت خواهند کرد؛ اما چنان‌که علامه طباطبائی این آیه را تفسیر کرده‌اند، (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۵۳۴) آیه، هم شامل بهره‌های مادی است که از راه کسب و تجارت به دست می‌آید و هم بهره‌های معنوی را دربر می‌گیرد (گرجی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۸)؛ بنابراین می‌توان چنین

استنباط کرد که زنان نیز همانند مردان، می‌توانند دارای بهره‌هایی شوند که از راه کسب و تجارت به دست می‌آید و این بهره‌ها از آن خودشان است و مردان بر آن ولایتی ندارند، همان‌طور که بهره‌های مادی مردان، از آن خودشان است و زنان بر آن ولایتی ندارند و این به معنای پذیرش استقلال مالی زن و شوهر است.

ج - اصل تسلیط: قاعده سلطنت یا همان اصل تسلیط از قواعد معروف و معتبر فقهی است که برمبنای سخنی منسوب به پیامبر اسلام شکل گرفته است که فرمود: «الناس مُسَكِّطُونَ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ». مفهوم این حدیث آن است که مردم بر اموالشان سلطه دارند. کلمه «الناس» چون با الف و لام به کار رفته است، دارای معنای عموم است؛ یعنی همه مردم اعم از مرد و زن. کلمه «تسلیط» نیز مطلق است و شامل همه انواع سلطه می‌شود؛ اعم از انتفاع و انتقال؛ بنابراین می‌توان از این حدیث این معنا را برداشت کرد که زنان نیز بر اموال و دارایی خود سلطه دارند و زوجیت تأثیری در سلطه ایشان بر دارایی‌شان ندارد. خلاصه آنکه با استناد به سه دلیل پیش گفته یعنی اصل عدم ولایت، آیه اکتساب و اصل تسلیط می‌توان به این نتیجه رسید که نظام حقوقی اسلام در خصوص روابط مالی زن و شوهر برمبنای استقلال مالی زن بنا نهاده شده است.

۶-۲. آثار استقلال مالی زوجین

در نظام حقوقی اسلام، اموال و دارایی زن و شوهر مستقل از یکدیگر هستند؛ در نتیجه زن از استقلال مالی کامل برخوردار است. پذیرش این موضوع به عنوان یک اصل، در روابط مالی زوجین، مسائل زیر را به دنبال دارد:

الف - نفی ولایت مرد بر اموال همسر: نخستین اثر استقلال دارایی زوج این است که زن در استفاده از حقوق مالکیت از آزادی و استقلال کامل برخوردار است و در این گونه اعمال نیازی به اذن شوهر ندارد. استیناف مرد، تأثیری بر آنچه انجام داده است، ندارد، مگر در مواردی که رفتار زن در امور مالی، ناقض حقوق قانونی مرد باشد؛ مثلاً اگر زنی بخواهد در فعالیتی اقتصادی به سفر کاری برود، باید از شوهرش اجازه بگیرد (فرشتیان، ۱۳۹۴، ص ۶۷). موارد فوق با توجه به اصل استقلال مالی زوجین لازم است؛ ولی برخی از فقها بر این اساس فتوا نداده‌اند؛ مثلاً

امام خمینی (ره) در *تحریرالوسیله* صحت نذر مالی زوجه در اموال خود را هر چند عمل به نذر منافاتی با حقوق زوجیت نداشته باشد، منوط به اذن زوج دانسته است. روشن است این گونه فتواها با اصل آزادی مالی زوجین سازگاری ندارد؛ به همین علت، بعضی از فقیهان با این حکم مخالفاند و کسب اذن مرد را ضروری نمی‌دانند. یقیناً مستند فقهای که به ضرورت کسب رضایتمندی مرد حکم داده‌اند، روایتی درست است که دیگران در دلالت آن نقل اشکال کرده‌اند و ما به دلیل اختصار آن را تبیین نمی‌کنیم (فرشتیان، ۱۳۹۴، ص ۶۸).

ب - سهم نبودن زن در درآمدهای شوهر: از دیگر آثار استقلال مالی زوجین آن است که زن از درآمدهای شوهر، سهمی نداشته باشد؛ به جز آنکه شوهر باید به او نفقه بپردازد. همان‌طور که اگر زن صاحب حرفه یا شغلی باشد و درآمدی کسب کند، شوهر در درآمد او سهمی ندارد. این نتیجه بسیار منطقی است و در شرایطی که هر دو آنها صاحب شغل هستند و درآمد دارند، اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ ولی وقتی زوجه به عوض کار در خارج منزل، به کار در داخل منزل و شوهرداری و بچه‌داری می‌پردازد، مشکلاتی ایجاد می‌کند.

۳. حقوق مالی زنان شاغل

در بحث حقوق مالی زنان شاغل چند مؤلفه باید بررسی شود:

۳-۱. نفقه زنان شاغل

یکی از سؤالاتی که همواره درباره نفقه زن مطرح می‌شود، آن است که به زنان شاغل نیز نفقه تعلق می‌گیرد؟ آیا شاغل بودن زن و داشتن درآمد مانعی برای پرداخت نفقه محسوب می‌شود؟ در پاسخ به این سؤالات باید گفت که شاغل بودن زوجه مانع از پرداخت نفقه نیست. برای پرداخت نفقه، فقر زن یا برخورداری از شرایط اقتصادی مناسب او بررسی نمی‌شود.

اگر زن دارای شغل و درآمد باشد، باز هم مستحق دریافت نفقه است؛ زیرا نفقه حق نیست، بلکه تکلیفی است که برعهده مرد است (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص ۲۸۹). مرد نمی‌تواند به دلیل آنکه زن از شرایط مالی مناسبی برخوردار است، نفقه وی را نپردازد. در صورتی که زن برحسب مقتضیات شغل خود بتواند نیازهای مالی خود را نیز تأمین کند، وظیفه تأمین مخارج زندگی را ندارد و زوج باید در هر شرایطی نفقه او را پرداخت کند. در اصل تعلق نفقه به زن، شاغل یا

خانه‌دار بودن او تفاوتی ندارد (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۲۸۲). با توجه به نظریه‌های کارشناسی در تعیین میزان نفقه، شاغل و خانه‌دار بودن زن ارزیابی می‌شود؛ اما در این زمینه برای تعلق یا عدم تعلق نفقه نمی‌توان تفاوتی را قائل شد. همان‌طور که نفقه به خانم‌های خانه‌دار تعلق می‌گیرد، خانم‌های شاغل نیز مستحق دریافت نفقه هستند.

۲-۳. اموال زن کارمند

قانون دربارهٔ تکلیف اموال زنان کارمند و اینکه آن‌ها باید چه اموالی را در زندگی خرج کنند، توضیحاتی داده است. براساس قانون و شرع، زنان نه‌تنها مالک تمام اموال و درآمدهایشان هستند، بلکه وظیفه‌ای برای تأمین هزینه‌های فرزندان و خانوادهٔ خود ندارند. علاوه‌بر آنچه در قانون گفته شده است، زنان می‌توانند با گرفتن نفقه از شوهرانشان، تمام درآمدهایشان را هر طور که خود مایل هستند، مصرف کنند.

برخی از حقوق‌دانان (صفائی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴) و برخی از فقها (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۵، ص ۳۱۴)، معتقدند که نفقه، تکلیف مرد است و مرد مکلف شده است که نفقهٔ همسر و مایحتاج آن‌ها را پرداخت کند. نفقه هیچ ارتباطی به شاغل بودن زن ندارد، بلکه حتی اگر زن شاغل باشد و درآمد بالایی هم داشته باشد، شوهر باید به او نفقه پرداخت کند (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۵، ص ۳۱۴)؛ زیرا نفقه از دید آن‌ها در برابر تمکین است و این ربطی به دارا بودن یا نبودن زن ندارد؛ اما گاهی اوقات این سؤال پیش می‌آید که: آیا زنان می‌توانند اموال خود را از دیگری پنهان کنند یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت زنان حق دارند که اطلاعات اموال و حساب بانکی و گردش مالی خود را از دسترس دیگران حتی شوهر، پدر، برادر، فرزند و هر فرد دیگری مخفی کنند. زن هیچ اجبار قانونی و شرعی برای خرج کردن درآمد خود در منزل ندارد.

۳-۳. اجرت‌المثل زنان شاغل

شرایط خاصی در تعیین مقدار اجرت‌المثل زن تأثیرگذار هستند که مهم‌ترین آن‌ها وضعیت زن است. وضعیت زن نیز براساس نظریهٔ کارشناسی تعیین می‌شود. اشتغال زن همان‌طور که ذکر شد نمی‌تواند در استحقاق او بر اجرت‌المثل تأثیرگذار باشد (صفائی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴)، و جزء شرایطی نیست که بتواند دریافت اجرت‌المثل زن را تحت تأثیر قرار دهد. اشتغال زن در استحقاق

اجرت‌المثل او تأثیرگذار نیست؛ ولی در تعیین میزان دریافتی آن، که باتوجه به آراء متعدد دیوان عالی کشور (دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۷۶۰۰۲۶۱) به دلیل تخصصی بودن با نظر کارشناس تعیین می‌شود، تأثیر بسزایی دارد. اشتغال زن به‌طور یقین در میزان دریافتی اجرت‌المثل او تأثیرگذار است.

در محاسبه اجرت‌المثل زنان شاغل، فرض این است که زنان شاغل بیشتر در خارج از خانه‌اند؛ بنابراین برای رسیدگی به امور خانه زمان کمتری را صرف می‌کنند و به‌همین دلیل زنان خانه‌دار باید اجرت‌المثل بیشتری دریافت کنند. زنان شاغل هم اجرت‌المثل کمتری را دریافت خواهند کرد. البته اشتغال زن مانع رسیدگی او به کارهای خانه نیست و او می‌تواند در عین اشتغال، به کارهای خانه نیز رسیدگی کند؛ ولی کارشناسان حقوقی برای زنانی که اکثر اوقات خود را صرف کارهای خانه می‌کنند، در مقایسه با زنانی که وقت کمتری را برای کارهای خانه صرف می‌کنند، تفاوت‌هایی قائل‌اند، و زنان شاغل به‌طور طبیعی وقت کمتری را برای رسیدگی به امورخانه خواهند داشت. دریافت حق‌المثل زنی که در بیرون از منزل است با اجرت‌المثل زنی که اکثر اوقات خود را صرف امورخانه می‌کند، برابر نیست. زنان شاغل از دریافت حق‌المثل کمتری در مقایسه با زنان خانه‌دار برخوردارند.

براساس ماده ۳۰ قانون حمایت از خانواده، زنی که در بیرون از خانه اشتغال دارد و از درآمد خود برای امور خانه هزینه می‌کند، میزان دریافتی او از حق‌المثل کمتر خواهد بود؛ ولی می‌تواند معادل هزینه‌هایی که برای امورخانه کرده است، مبلغی را از مرد دریافت کند.

۳-۴. ارث درباره زنان شاغل

عدالت به معنای برابری نیست؛ بلکه قراردادن هرچیز در جای مناسب است. تکالیف مرد در پرداخت نفقه، مهر و غیره نابرابری در ارث را تا حد زیادی جبران می‌کند تا جایی که به عدالت نزدیک می‌شود. با این حال دارا یا فقیر بودن و شاغل بودن یا نبودن در اصل تعلق ارث و میزان آن تأثیری ندارد و روابط نسبی و سببی و عدم موانع قانونی شرط لازم و کافی برای تحقق این امر شناخته شده است؛ از این رو در خصوص ارث میان بانوان شاغل و غیره در قانون و فقه

تمایزی وجود ندارد و با توجه به بحث‌های گذشته و استقلال مالی زن، آن‌ها می‌توانند هرگونه دخل و تصرفی در کلیه حقوق مالی خود از جمله ارث خود انجام دهند (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص ۳۱۷). تنها تفاوت موجود در ارث میان زنان، با توجه به مفهوم مخالف ماده ۹۴۰ قانون مدنی عدم توارث زوجه متقطعه است.

۳-۵. مهریه زنان شاغل

در مواد مختلفی از جمله مواد ۱۰۸۷ و ۱۰۹۰ قانون مدنی به مهرالمثل پرداخته شده است. علاوه بر مهرالمثل، مهریه اقسام دیگری نیز دارد که عبارت‌اند از: مهرالسنة، مهرالمسمی، مهرالمتعه. میزان مهرالمسمی و مهرالسنة مشخص است؛ از این جهت از موضوع بحث ما خروج حکمی موضوعی دارند و در خصوص مهرالمتعه نیز از این جهت خارج از بحث ما قرار می‌گیرد که بستگی به شرایط مالی زوج دارد، نه زوجه؛ در صورتی که مهرالمثل بستگی به شرایط و صفات زوجه دارد. در خصوص مهرالمثل در فقه مطالب زیادی بیان نشده است (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص ۲۵۶) و مهم‌ترین آن‌ها روایتی از امام صادق علیه السلام است (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۱، ص ۲۶۹، باب ۱۲) و سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ضابطه ایی برای تعیین مهرالمثل بیان شده است یا خیر در برخی منابع (محقق کرکری، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۴۲۳) به جمال و شرافت و عرف اشاره شده است و ملاک‌های تعیین مهرالمثل در قانون مدنی بر این موضوع تأکید دارد که شاغل بودن یا نبودن زن می‌تواند در تعیین میزان مهرالمثل مؤثر باشد. براساس ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی اگر در نکاح دائم، مهر ذکر نشده، یا عدم مهر شرط شده باشد، نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد، مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین، بین آن‌ها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود و براساس ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی «برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود». از آنجاکه صفات به مادی و معنوی تقسیم می‌شود و دارا بودن و فقیر بودن از صفات مادی و ظاهری است و شاغل بودن و دارای درآمد بودن در این صفت مؤثر است،

می‌تواند در تعیین مهرالمثل نیز مؤثر باشد و همچنین در برخی احادیث (نجفی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱۰، ص ۱۱۸) به این موضوع اشاره شده است که بی‌نیازی و غنا باعث احترام و جایگاه ویژه برای شخص می‌شود.

۴. آسیب‌شناسی حقوقی زنان شاغل

- همه افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (اصل ۲۰ قانون اساسی).

- دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند (اصل ۲۱ قانون اساسی).

- این‌ها اصول قانون اساسی هستند که مهم‌ترین سند حقوقی کشور است و همه قوانین و مقررات دیگر باید در تطابق با آن باشند. این قانون (اصل ۲۱) دولت را موظف به تضمین حقوق زن «در تمام جهات» و «با رعایت موازین اسلامی» کرده است.

- «حق اشتغال» و «حق داشتن شغل شایسته» یکی از حقوق مهم همه انسان‌ها است، حتی چنان مهم که در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره شده است؛ اما این حق برای زنان تا چه اندازه در قوانین عادی کشور تأمین و تضمین شده است؟

۴-۱. محدودیت‌های اشتغال زنان

در ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی اصل استقلال مالی زنان پذیرفته شده است؛ اما در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، شوهر «رئیس خانواده» معرفی شده است که از جمله آثار ریاست مرد بر خانواده این است که زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند زندگی کند و «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند» (صفائی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴).

از نظر فقهی بیان شده است که بحث خروج زن از منزل، منوط به اجازه شده است و در اینجا بحث اجازه اشتغال مطرح نیست و در این باره هم برخی (خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۰، ص ۱۰۰)، معتقدند دلیل منوط کردن خروج زوجه از منزل با اذن زوج تنافی با حق استمتاع مرد

است و از نظر منطقی، زمانی که امکان استمتاع مرد وجود ندارد، مثل زمانی که او از خانه بیرون رفته است، در این حالت خروج زوجه از خانه نیاز به اذن مرد ندارد. به هر حال ممکن است مرد محلی را برای اقامت تعیین کند که امکان اشتغال زن وجود نداشته باشد یا برای خروج از کشور زن باید از شوهر اذن داشته باشد.

۲-۴. قوانین اشتغال زنان

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۱، «سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران» را تصویب کرد که براساس آن «شرایط و محیط کاراجتماعی بانوان باید به گونه‌ای مهیا شود که زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان فراهم شود ...».

از نمونه قوانین این حوزه می‌توان به مسئله بازنشستگی اشاره کرد: سن بازنشستگی زنان ۵ سال کمتر از مردان و ۵۵ سال است؛ اما زنانی که ۴۵ سال تمام دارند و ۳۰ سال تمام کار کرده، و حق بیمه مدت مزبور را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کرده‌اند هم می‌توانند تقاضای بازنشستگی کنند. زنان کارگر با داشتن ۲۰ سال سابقه کار و ۴۲ سال سن، به شرط پرداخت حق بیمه هم می‌توانند بازنشسته شوند؛ اما مستمری کمتری دریافت خواهند کرد. در لایحه برنامه پنج‌ساله ششم توسعه ماده‌ای برای بازنشستگی اختیاری زنان با ۲۰ سال سابقه کار و ۵۰ سال سن گنجانده شده بود که به دلیل بار مالی آن، در نهایت مجلس آن را حذف کرد. در مثالی از آرای وحدت‌رویه می‌توان این مورد را ذکر کرد:

با توجه به اینکه مصوبه شماره ۱۳۱۱۰۰/۴۳۳۴۶ - ۱۳۸۸/۷/۱ هیئت وزیران که مورد استناد شاکیان برای تبدیل وضعیت قرار گرفته است، به موجب مصوبه دیگر هیئت وزیران به شماره ۴۳۳۴۶/۲۷۸۰۹۶ - ۱۳۸۹/۱۲/۵ اصلاح شده، و عبارت «با رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری» به آن اضافه شده است و براساس مواد ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۵۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ ورود به خدمت براساس مجوزهای صادرشده و رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصت‌ها پس از پذیرفته شدن در امتحان عمومی، که به طور عمومی نشر آگهی می‌شود و نیز امتحان یا مسابقه تخصصی، امکان‌پذیر است و در قانون مذکور و قانون

برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ حکمی راجع به تبدیل وضعیت کارمندان قراردادی و زنان سرپرست خانوار به رسمی بیان نشده است و آراء متعدد هیئت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله آرای شماره ۴۶۰ تا ۴۷۶ نیز به این موضوع تصریح دارد؛ بنابراین با استدلال پیش گفته رأی به رد شکایت صحیح، و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و دیگر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

الف - بارداری، زایمان، شیردهی

با تصویب «قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده» در خرداد ۱۳۹۲، مرخصی زایمان برای زنان باردار شاغل از شش ماه به نه ماه افزایش پیدا کرد؛ اما دستگاه‌ها در برابر اجرای این قانون مقاومت کردند. در بسیاری از مشاغل زنان همچنان از شش ماه مرخصی زایمان برخوردار می‌شدند؛ هرچندکه همین مرخصی نیز در بیشتر موارد به از دست رفتن فرصت شغلی‌شان منجر می‌شد.

در سال ۱۳۹۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با صدور یک رأی وحدت‌رویه، همه کارفرمایان بخش دولتی و غیردولتی را به موافقت با مرخصی زایمان نه‌ماهه برای مادران ملزم کرد؛ اما مشکل اخراج زنانی که از این مرخصی استفاده می‌کنند، همچنان پابرجاست.

ب - ساعت کار زنان دارای شرایط خاص

قانون «کاهش ساعات کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص» در آذر ۱۳۹۵، برای اجرا ابلاغ شد. براساس ماده واحده این قانون، «ساعات کار هفتگی بانوان شاغل اعم از رسمی و پیمانی و قراردادی دارای شرایط خاص، بنابه درخواست متقاضی با ۳۶ ساعت کار در هفته، ۴۴ ساعت کاری برای آنان در نظر گرفته می‌شود؛ ولی به‌رغم گذشت بیش از دو سال از اجرایی شدن قانون، برخی از دستگاه‌ها این قانون را با اعمال سلیقه اجرا می‌کنند؛ درحالی‌که انتظار این است با یک وحدت‌رویه و به‌صورت منسجم در تمام دستگاه‌ها اجرایی شود.

در مجموع آسیب‌شناسی حقوقی این عوامل را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

- فقدان سیاست و رویکرد منسجم و واحد در میان مسئولان نظام در خصوص افزایش یا کاهش استخدام زنان.
- وجود سهمیه‌بندی جنسیتی در استخدام دستگاه‌های دولتی بدون توجه به تخصص و توانمندی‌های افراد به دلیل مشخص نبودن سیاست اشتغال زنان در جامعه.
- عدم رعایت شایسته‌سالاری و توانمندی زنان در تصدی مشاغل مدیریتی.
- عدم پذیرش قضاوت زنان واجد شرایط در صدور احکام به‌ویژه در دادگاه خانواده.
- عدم پیش‌بینی ممنوعیت کار شبانه در قانون کار.
- عدم پیش‌بینی مرخصی خانوادگی برای کارگران دارای مسئولیت سرپرستی خانوادگی.
- عدم اجرای قانون تقلیل ساعت کار بانوان در برخی از بخش‌های خصوصی و دستگاه‌های دولتی و عدم نظارت دقیق.
- فقدان حمایت قانونی مؤثر از زنان در بازگشت به کار پس از مرخصی زایمان.

یافته‌های پژوهش

از نظر اسلام، حضور اجتماعی و اشتغال زنان منعی ندارد؛ مگر اینکه ناقض ارزش‌های خانوادگی و وظایف زناشویی و اصول تربیتی باشد. بنابراین، برای مشارکت اجتماعی زنان ایجاد محیطی مناسب می‌تواند یکی از مؤلفه‌های سلامت و کمال هر اجتماع تلقی شود. این عرصه در دین، ذیل موضوع حضور سالم بانوان در اجتماع (نه منع هرگونه حضور بانوان) بیان می‌شود. مقاله حاضر سعی بر آن داشت تا به موضوع حقوق مالی زنان شاغل از یک‌سو و آسیب‌شناسی حقوق زنان شاغل از سوی دیگر بپردازد. درباره حقوق مالی زوجه این نتیجه به دست آمد که حقوقی همچون ارث، اجرت‌المثل، مهریه و نفقه به زنان شاغل تعلق می‌گیرد و فقط درباره اجرت‌المثل ممکن است در مقایسه با زن خانه‌دار، در پرداخت تفاوتی وجود داشته باشد.

در این مقاله؛ در بحث آسیب‌شناسی حقوقی زنان شاغل به موضوع محدودیت‌های اشتغال زنان، قوانین اشتغال زنان، بارداری، زایمان، شیردهی، ساعت کار زنان دارای شرایط خاص پرداخته شد. درست است که قانون پیش‌بینی‌هایی در این باره کرده است؛ اما در عمل با تضاد دوگانه رفتاری مدیریتی در این قبال مواجه هستیم و شاهد آنیم که این موضوع در قبال زنان در حوزه شغلی با نامالیقات بسیاری روبه‌رو است؛ بنابراین چند راهکار پیشنهاد می‌شود:

- تبیین قوانین حمایتی از زنان شاغل به صورت عملی و اجرایی (نه به صورت نظری).

- حمایت قانونی از زنان شاغل در داخل و بیرون از خانه جهت ارتقای جایگاه زن.

- با توجه به منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، که یکی از اهدافش اهتمام به تبیین حقوق و تکالیف زنان در اسلام است، پیشنهاد می‌شود در دوران آموزش دختران در مدارس، همچنان که دروسی مانند حرفه‌وفن وجود دارد، دروسی مانند حقوق خانواده نیز تدریس شود تا علاوه بر موارد دیگر با حقوق و تکالیف خود نیز آشنا شوند. تحقق چنین امری سبب می‌شود تا برخی دعاوی این حوزه که ناشی از عدم آگاهی است، کاهش یابد.

- استفاده از ظرفیت‌های دفاتر ازدواج برای قراردادن شروط اشتغال بانوان برای جلوگیری از اختلافات بعدی.

- آموزش‌های مرتبط از طریق رسانه‌ها و اپلیکیشن.

منابع

- آشوری، ملیکا (۱۳۹۰). *حقوق مالی زنان*. تهران: پیام سوده.
- امامی، حسن (۱۳۸۹). *حقوق مدنی*. تهران: نشر اسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰). *مبسوط ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- جهانی، فرخ‌زاد (۱۳۹۱). *رژیم حقوقی اشتراک اموال زوجین*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). *وسائل الشیعة*. قم: آل‌البیته.
حیدری، معصومه (۱۴۰۲ ش). مطالعه تطبیقی وضعیت زنان سرپرست خانوار در حقوق کار و تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و نظام بین‌الملل حقوق بشر، *مجله پژوهش و مطالعات اسلامی*، ۵ (۵۱)، ص ۱-۱۳.

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). *استفتائات*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق). *موسوعة الامام الخوئی*. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ ق). *مهذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام*. قم: دار التفسیر.
سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*. تهران: تیبان.
سنجری مقدم، فریبا (۱۴۰۲ ش). ابعاد حقوقی نقش زنان در توسعه، *مجله مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، ۴ (۵۴)، ص ۸۹-۱۰۸.

شجاعی، نادر (۱۳۹۰). استقلال در زندگی زناشویی. *نشریه راه حق*، ۳ (۲۵)، ص ۵۰-۷۰.
شهیدی، مهدی (۱۳۹۰). *ارث*. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
صفائی، حسین؛ و امامی، اسدالله (۱۳۹۰). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: دانشگاه تهران.
طباطبائی، فاطمه (۱۳۹۰). *اقلیم خاطرات*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
عباسی، داود؛ رضائی، شیرین (۱۴۰۰ ش). «حقوق مالی زن در نظام حقوقی ایران و همخوانی آن با اسناد بین‌المللی». *مجله فقه و حقوق نوین*، ۲ (۷)، ص ۲۱-۴۸.

عمید، حسن (۱۳۶۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیر کبیر.
غفاری، غلامرضا؛ و یوسفی، نریمان (۱۳۹۷). «فرصت‌های نابرابر و مشارکت اقتصادی زنان». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۹ (۲)، ص ۶۷-۹۸.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ ق). *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.

فرشتیان، حسن (۱۳۹۴). *نقشه زوجه، پژوهش تطبیقی حقوق مدنی ایران و سایر نظام‌های حقوقی*. قم: بوستان کتاب.

قاضی، ابوالفضل (۱۴۰۰ ش). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. تهران: میزان.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *دوره حقوق مدنی خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
گرچی، ابوالقاسم (۱۴۰۱ ش). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۱). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: مرکز نشر تحقیقات اسلامی.

- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد*. قم: مؤسسه آل البيت.
مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه (۱۳۷۹). *گنجینه آرای فقهی - قضایی*. قم: نشریه دادرسی.
مشایخی، قدرت الله (۱۳۸۸). *خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی*. تهران: سمت.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
نجفی، هادی (۱۴۲۳ ق). *موسوعة احادیث اهل البيت عليهم السلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.